



صبح ساحل چرایي عدم شناخت از هرمزگان و عوامل بازدارنده پیشرفت آن را بررسی کرد؛

هرمزگان با هویت معلق

سامواریایی دلیر خروجی‌اش می‌شود. یعنی زاین همه چیز را زاینی می‌کند و فرهنگ‌ها را از درون خود عبور می‌دهد تا همیشه در صدر بماند. هنوز هم زاینی‌ها درصدد یخت سوشی و نودل‌های سنتی خود هستند. آموزش می‌دهند و با تجارت دریایی و آبی‌پرووری، خون به رگ اقتصاد کشورشان می‌آوردند. شاید زاین هم می‌توانست نبینند، نگاه کند به جای صنعت دریایی هات‌داگ آلمانی بیزد و سفارنامه‌های غربی به کودکان خود بیاورد اما چنین نکردند. البته باید یادآور شد که زاین این را مدیون روشنفکران صده گذشته خود است که با مأموریت رفتن به غرب به شناخت حکمت‌ها و فلسفه‌های مدرن پرداختند. با همان بازوی شناخت افکار جهان به شناخت خود رسیدند و از بحران عظیم جنگ جهانی، انفجار و سقوط هیروشیما دوباره متولد شدند و بهتر از قبل بالغ شدند. در همین کشور خودمان هم شهرهای انگشت شماری هستند که با تکیه به ریشه خود توانسته‌اند دست آوردهایی غنی داشته باشند. اصفهان یا شیراز شاخص‌ترین‌های آن هستند. البته می‌توانست‌هایی دارند اما می‌توانند الگویی برای استان ماباستی.

■ هرمزگان غرق شده، نجاتش دهیم

حال باگردیم به هرمزگان که اندر خم یک کوچه است و هنوز برای معرفی هفته و فرهنگ مردم خود در پله اول است. مدیرانی برای پروژه‌های این استان تصمیم می‌گیرند که فرق ماهی شور از شیرین را به‌سختی تشخیص می‌دهند. جغرافیایش را به‌درستی تشخیص نمی‌دهند و ریشه‌اش را نمی‌شناسند. حتی می‌توان گفت که هرمزگان به‌سختی در محتوای روزمره مردم خود قرار می‌گیرد، یعنی تا به این حد موردتقد، بررسی و کاوش قرار نگرفته که هنوز از هرمزگان به‌عنوان سرزمین ناشناخته نام می‌برند. کودکان و جوانان این شهر تا زمانی که به بدنه این شهر پیوند نخورند، نمی‌توانند تا تارپوید این فضا، انس بگیرند. نتیجه اینکه راه را نمی‌یابند. در این میانه، خواجه عطایی زاییده نمی‌شود که پیکان به سمت توسعه بگیرد. نتیجه اینکه انبوهی از پروژه‌های شکست‌خورده دارد و ظریف‌های اقتصادی درون هرمزگان شناسایی نمی‌شود. مسئله مردم هرمزگان ریشه‌یابی نشده چون ابتدا به دست خودشان حل مسئله صورت نگرفته است. این است که دروازه اقتصادی ایران غرق در پروژه‌های ملی است تا محلی. اگر بخوایم هرمزگان را به‌روز بدهیم، همان کاری را انجام دهیم که کوئین گارنر، قهرمان سریال بازماندگان کرد. خودمان را پیدا کنیم، تا خودمان را بسازیم.



مدیران باشند، اهمیت هویت را درک نکرده‌اند یا به آن نپرداخته‌اند.

■ شناخت هویت، مسئله ذاتی ژاپن

حال سؤال پیش می‌آید که هویت فرهنگی مگر تا به این حد مهم است که ارزش پرداخت در ابعاد آموزش و فرهنگ دهی به محیط و شهر را داشته باشد؟ شاید مردم ما متقاضی فرهنگ خود نیستند؟ پرسش بسیار و برای هر پاسخ، چالش و نقدهای زیادی پیش رو است. اما با یک مثال می‌توان تا حدودی ابعاد این مقوله را متوجه شد. یک مثال خوب زاین است. زاینی‌ها آن قدر به ریشه خود چنگ زده‌اند که توانسته‌اند قطب اقتصادی جهان باشند. همان زاینی که فرهنگ بدوایی هنر را با آن همه خدای خدایان، آداب و رنگهای تجملاتی در بهار عیار گرفته و در مدیوم خود آن را تبدیل به یک آیین ساده و آرامش طلب کرده است. همان آیینی که در هند یک مترادف تن‌پورو می‌سازد در زاین یک

به طور کل هویت مجموعه‌ای از خصلت‌ها و خصوصیات رفتاری است که هم ما را از دیگران متمایز می‌کند و هم متعلق به گروه اجتماعی مشخص می‌کند. آمیزشی از این دو می‌شود هویت و سرآمد همه هویت‌ها، هویت فرهنگی است.

سؤال پیش می‌آید که برای رسیدن به مرحله شناخت هویت فرهنگی چه چیزی باید رخ بدهد؟ چگونه هویت‌سازی و هویت‌یابی صورت بگیرد؟ چگونه می‌توان به پرسش‌هایی کیستی و چیستی با همین اهرم هویت فرهنگی پاسخ داد؟ جواب یک آموزش و دوم محیط و فضای زندگی است؛ یعنی آموزش، محتوا را بسازد و محیط زندگی به آن فرم بدهد. البته فرم و محتوا را نمی‌توان از هم جدا کرد و به قول مسعود فراستی، منتقد مشهور سینما، این محتوا است که فرم را ایجاد می‌کند؛ زیرا اگر محتوا در فرم نباشد تنها فرم را اندامی بلکه محتوا هم از بین می‌رود. حال به خود بازگردیم. چندی پیش هفته هرمگان بود و طبق روال هرساله برنامه‌ها با ملی بودند یا تکراری همانند سال گذشته که پیوند عمیقی با محیط برقرار نمی‌کرد. درواقع برنامه‌ها مشکل فرم داشتند. چرا؟ چون محتوایی برای آن نداشتیم. نبود محتوایی برای هویت فرهنگی در ما هرمگانی‌ها به یک ضعف عمیق تبدیل شده است.

■ محتوا را بیاموزیم و فرم را بسازیم

ابتدا پیوندهای بر روی محتوا می‌گشاییم؛ به عنوان یک هرمزگانی از زمانی که پا به مدرسه گذاشته‌ام تا زمانی که با آن بدرود گفته‌ام؛ چیزی از هویت فرهنگی نیاموختیم. مسئله‌ای که هویت ما را در عین استقلال ذاتی به منطقه و پیشه خودمان پیوند بزند هرگز وجود نداشته است. حتی در سیر سال‌های آموزشی تعریف فرهنگی‌ای برای هرمزگان در حد یک پرورش و کتابچه به معرفی چند ماهی دریایی و تعدادی روستا و کوک بسنده شده است. در خانه ماهی می‌خوردیم و در مهمانی‌ها نقت و نگار چادر محلی می‌دیدیم؛ اما در مدرسه، مسافرت خانواده هاشمی در اصفهان و شیراز را حفظ می‌کردیم و چند صدبار از آن رونوشت به معلم می‌دادیم. این موضوع یک احساس اسکیزوفرنیک فرهنگی با همان دوقطبی شدن در شناخت محیط ایجاد می‌کند. هر دو فرهنگ برایمان مصنوعی بود. آنچه در درون هرمزگانی به عنوان فرهنگ می‌داد مورد انتقاد یا آموزش قرار نمی‌گرفت و آنچه در مدرسه آموزش داده می‌شد به جغرافیا و پیامون ما نمی‌خورد. نه این را می‌یافتیم و نه آن را می‌پیمودیم. هرمزگان‌هایی می‌شناسیم که وضعیتشان از این نیز بدتر است و به سختی نام جزایر استان را می‌دانند آن هم

تنها چیزی که در

آن به بحث موشکافانه گذاشته نشد، خود هرمزگان بود. بیان چند قصه و خاطره گویی با موسیقی های تکراری که همه ساله برگزار می شود، شاخص ترین برنامه هایی بود که برای آن تدارک دیده شد. فرصتی کوتاه و گذرا که دردی از ناشناخته بودن هرمزگان دوانمی کند. حال چرا ما، بعد از این همه سال، هرمزگان را آن گونه که باید شناخت، نمی شناسیم یا بانام آن ارتباط سازنده ای نمی گیریم؟ شناخت از محیط تا چه حد مهم است؟ شناخت چگونه است؟ اگر به شناخت منطقه و پیرامون خود برسیم از بحران و فرصت های پیش رو چگونه عبور می کنیم؟ هرمزگان فرصت اقتصادی بسیار داشته، چرا در دست مردمان غیر بوده و در دست ما نچرخید؟ چرا اکثر مناطق هرمزگان توسعه نیافته است؟ شاید مسئله اصلی ریشه دار نبودن فرهنگ در بین ما هرمزگانی ها است. به خصوص نسلی از ما که فرصت طلایی شناخت را از دست داد. در این مطلب به بررسی چرایی نبود شناخت درست از هرمزگان می پردازیم.

■ هویت برای انسان بسان ریشه برای درخت

بازماندگان را می‌توان یکی از بهترین سریال‌های نامید. چراکه با دو درصد دیالوگ و نمایش، ۹۸ درصد پیرش و چالش برای مخاطب ایجاد می‌کند. در دوم و پله‌های آخرین سریال، قهرمان دست‌به‌کار می‌شود. «کوبین گارن» برای رهایی از بحران خود همان اسکیزوفرنی با دوقطبی شدید است و نجاتی که به شکلی سورئال با سی‌پانچو ای درگیر است، تا به بازگشت به خود می‌زند. به ضمیر ناخودآگاه خود و هویت خویش را از درون افکار خود بیرون می‌آورد. این فصل آن قدر نفس‌گیر بود که یکی از صدها شی که برای مخاطب مطرح می‌کند این است که هستی هویت چیست و چرا تا به این حد مهم است؟ تعریف هویت می‌توان گفت که انسان از زمانی که در دنیا زاده می‌شود تا زمانی که می‌میرد، به عنوان یک موجود متغیر و متحرک در نظر گرفته می‌شود. هویتی که بتواند با آن بتواند به نجات بخشد. یعنی از من به ما و از دیروز به امروز. «خاستگاه من، قوم من و ریشه‌ام کجاست تا من جایگاه خود را در جهان پیرامونم بهتر بشناسم.» «هو» به معنای غایت، نهایت و کمال مطلق است.

[illegible]

جدول کلمات متقاطع

دوره جدید شماره ۱۸۹۸

فقہی

۱- فکر نو و تازه- رئیس آشپزخانه ۲- عطا وبخشش- بالا بر اتموبیل
 ۳- گونه ای از حکومت ۴- ببرد بخور و غیر سودمند- پهلوان- هنر
 ۵- لیکوبی و حرکت موزون دست و پا ۶- تلاش کننده ومبارز- نژاد
 ۷- طایفه- سرمای شدید ۸- شهر آرامگاه شاه نعمت الله ولی- پسوند
 ۹- ارادتگی وتشابه- نویسنده فرانسوی و صاحب اثر گلهای اهریمنی
 ۱۰- جانور صحرانورد- هدف والا- ناگزیر ولاجرم ۱۱- ماده برمی
 ۱۲- ننده پارچه- سختی وناسازگاری- تخم مرغ انگلیسی ۱۳- اندازه

١٨٩٧ جدول شماره

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ت	ط	ا	س	ب		م	و	ی	ن	و	ت	و	ل	پ	۱
ر	و	ک	ب		د	ه	ر	ی	و	ش	ر		خ	ا	۲
ا	ب	ز	ی	ا			ا	ه	س		ر	ا	د	م	۳
د	ا	ن	د	ع	و	ر	ج		ل	ا		ج	ر		۴
ه		ا	ن	ز	ی			ا	ن	ه	ی		ف	م	۵
		ر					ا	ی			ا	ن	ق	ی	۶
س	ی		س	م	ش		ب	ر	ا	ه		ی	ا	ی	۷
ه	م	ی		ه	ر		ا	ی	پ		ر	ه	م	ن	۸
ت		ن	س		ل	د	و	د		د	و	ر	ی	ا	۹
ف	ا	ر	ع	ا	ن	ه		ک		ب	ی	ش	ن		۱۰
ن	ک		ی	ر	ب	د		ه	م	ا	د	ا	ب		۱۱
گ		ن	ی	ق	ی		س	ا	ر	ن	ا	خ	س	ر	۱۲
	س	ا	س	ف	ا	م		ی	ن	ت	ن	ی	ا	س	۱۳
ا	ن	ف	ا	ز	ا	ک		ی	ا	ر	ا	ا	ا	ه	۱۴
ر	ی	د	ی	د	ی	و	ل	ت		ق	ر	ا	ق	ب	۱۵

عمودی

۱- رسوا ویی آبرو - از اکتشافات زکریای رازی ۲- تیرهوشی - سوب
- وطنی - از مجله های قدیم کشور ۳- آلبومی از مهدی سهیلی -
- مظهر وفاداری - به معنی اخگر و تکه آتش ۴- بهای تعیین شده در
برابر استفاده از ملک دیگران - امر به نواختن - نفی عرب ۵- جدایی
و فراق - خو و الفت - سلطنتی ۶- علف خشک - تخت پادشاهی -
افزون شونده ۷- گرد و دایره ای - شهر گیوه استان فارس - تکرار
یک حرف ۸- به ذوق و شوق آمدن - حق التدریس - تاک درهم ۹-
عزیز تازی - از امراض چشمی - پاره سنگ ترازو ۱۰- توپ و تشر زدن
- شهری در فرانسه - درخت رستمس ۱۱- بندری در سنگاپور -
ستایش و ستودن - آهن کربن دار ۱۲- واحد سطح - نوعی از شیرینی
تر - تیشه درودگری ۱۳- واحد پول ایتالیا - تصدیق روسی - اثری از
صبای کاشانی ۱۴- عنوان ارتش شاه اسماعیل صفوی - آب ترکی
- منسوب به فلز سیاسی ۱۵- تابلویی از ادوارد مونش نقاش نروژی
- حالی کردن و فهماندن

طراح : مهدی سنگی